

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینة ایران

بهرام رحمانی
۱۷ نومبر ۲۰۱۹

چهل سال دروغ، سرکوب، شکنجه، اعدام، ترور، دزدی و استثمار!

جورج سانتایانا، فیلسوف برجسته دانشگاه هاروارد، می گوید: «کسانی که گذشته خود را به یاد نمی آورند محکوم به تکرار آن هستند!»

در این روزها، دو خبر برای شهروندان آزادی خواه و ضد حکومت اسلامی جامعه ایران در داخل و خارج کشور، بسیار خوشحال کننده اند: اولی دستیگری یک مقام قضائی جنایت کار حکومت اسلامی ایران در سویدن و دومی اعتراض مردمی در شهرهای ایران در اعتراض به افزایش قیمت بنزین!

بحث بر سر اعتراض های داخل ایران، نیاز به مطلب جداگانه ای دارد اما «حمید نوری» یکی از جنایت کاران حکومت اسلامی ایران، روز شنبه ۹ نوامبر ۲۰۱۹، به محض ورود به فرودگاه استکهلم بازداشت شد و روز چهارشنبه ۱۳ نوامبر، حکم بازداشت او برای یک ماه تمدید شد تا شاکیان زمان کافی برای جمع آوری ادله داشته باشند.

خبرگزاری سویدن نوشته این مرد ۵۸ ساله که اکنون به ظن نقض قوانین بین المللی و دست داشتن در کشتار زندانیان سیاسی در سال ۶۷، در سویدن تحت بازداشت است، برای ملاقات با بستگانش به این کشور سفر کرده بود. سایت تلویزیون کشوری سویدن (SVT) در گزارشی که روز چهارشنبه منتشر کرده، به نقل از دادستان سویدن نوشته است که یک مرد ۵۸ ساله ایرانی به ظن دست داشتن در قتل عام سیاسی در تابستان سال ۱۳۶۷ که در ایران پس از جنگ ایران و عراق اتفاق افتاد، روز شنبه ۹ نوامبر بلافاصله پس از ورود به فرودگاه آرلندا در استکهلم، بازداشت شده است. این فرد که برای دیدار با اقوام خود به سویدن سفر کرده بود احتمالاً در زمان قتل عام سیاسی در زندان گوهردشت کرج مسؤولیت قضائی داشته است. به گفته پولیس، قرار است دادگاه حداکثر تا ۱۱ دسامبر در مورد وضعیت اتهامات وی تصمیم بگیرد.

اما لارس هولتگرن، وکیل حمید نوری که به ظن دست داشتن در اعدام های سال ۱۳۶۷ در سویدن در زندان است، می گوید موکلش «بی گناه» و شواهد ارائه شده «ضعیف» است؛ اما کاوه موسوی، شاکی پرونده، در واکنش به این اظهارات می گوید که «دادستان های با تجربه متخصص اداره جنایات جنگی، دلایل ما را کافی دانستند که حکم بازداشت در فرودگاه را صادر کردند.»

به گزارش بی.بی.سی به نقل از خبرگزاری سویدن لارس هولتگرن، معتقد است که پرونده بر شواهد بسیار ضعیف استوار است و انتساب عکس و هویت مظنون به درستی انجام نشده است.

هولتگرن در پاسخ به تماس بی.بی.سی فارسی گفته که «اجازه اظهار نظر در این مورد را ندارم.» اکنون زندانیان سیاسی سابق، کانون زندانیان سیاسی در تبعید، سازمان و احزاب اپوزیسیون در تلاشند تا این عنصر جنایت کار حکومت اسلامی مجبور گردد دست کم بخشی از مسایل پشت پرده قتل عام زندانیان سیاسی را به زبان بیاورد و جنایت کاران دیگری که هنوز اسم شان مطرح نشده است به جامعه معرفی گردد. در پی بازداشت حمید نوری، متهم به مشارکت در اعدام های جمعی سال ۶۷ در ایران، خانم آگنس کالامارد، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در امور اعدام های خودسرانه، در شبکه توئیتر واکنش نشان داد. کالامارد در پیام توئیتری خود از بازداشت حمید نوری توسط مقامات قضائی سویدن استقبال کرد و نوشت: «نخستین گام مهم در راستای عدالت در قبال قتل عام ۱۹۸۸ ایران. این برای نخستین بار است که فردی در رابطه با رویدادهای ۱۹۸۸ محاکمه می شود که طی آن هزاران نفر به قتل رسیدند.»

نام این جنایت کار حکومت اسلامی، «حمید نوری» ۵۸ ساله معروف به «عباسی» است. برخی گزارش ها حاکی است که او با نام مستعار «حمید عباسی» دادیار سابق قوه قضائیه و در سال ۶۷ «عضو هیات اعدام در گورهدشت کرج» بوده است. در جریان اعدام های سال ۶۷، چند هزار نفر از زندانیان سیاسی و عقیدتی به دستور روح الله خمینی، بنیان گذار حکومت جهل و جنایت و ترور اسلامی، مخفیانه به دار آویخته و سپس در گورهای دسته جمعی به خاک سپرده شدند. زمان دقیق آغاز اعدام ها در زندان های ایران مشخص نیست اما در کتاب های تاریخی به هفته آخر تیرماه و هفته اول مرداد ۶۷ اشاره شده است. روند محاکمه های کوتاه و به دار آویختن های فوری تا شهریور ماه ادامه داشت.

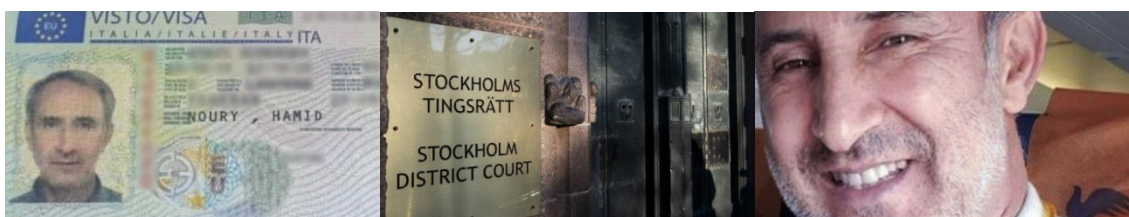
این اولین بار است که یکی از افراد مظنون به دست داشتن در کشتار سال ۶۷ زندانیان سیاسی و عقیدتی ایران در خارج از کشور بازداشت می شود.

در پی بازداشت این مرد ۵۸ ساله ایرانی در سویدن که مظنون به ارتکاب جنایت علیه بشریت است، رادیوی سویدن با «اوه برینگ» استاد باز نشسته دانشگاه در رشته روابط بین الملل گفتگو کرده است.

این مرد ایرانی مظنون به دست داشتن در اعدام های زندانیان سیاسی در ایران و در تابستان سال ۶۷ است. اوه برینگ در مورد این که بازداشت این مرد چه تاثیری بر روابط ایران و سویدن خواهد گذاشت می گوید که در ایران این موضوع به عنوان مداخله در امور داخلی کشور عنوان خواهد شد. این قضیه تا حدی باعث افزایش تنش سیاسی میان این دو کشور خواهد شد. از سوی دیگر، دستگاه قضائی سویدن مستقل است و دولت نمی تواند در امور آن مداخله کند.

کارولینا ویسلاندر دادستان در دادگاه ابتدائی استکهلم گفت که این مرد مظنون به جنایات ضدبشری و یک مورد قتل در زندان کرج در تابستان ۱۹۸۸ است.

لارش هولتگرن، وکیل این فرد می گوید که موکلش بی گناه است و این فرد به اشتباه بازداشت شده است. این مرد نهم نوامبر ۲۰۱۹، وارد سویدن شد و در فرودگاه دستگیر شده است.



نوری از دهه ۶۰ با ابراهیم رئیسی، ریاست کنونی قوه قضائیه و عضو هیات مرگ رابطه نزدیکی داشت. او به عنوان دادیار قضائی تحت نظر رئیسی، دادستان به کار مشغول بود.

حمید نوری سپس به وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی منتقل شد و در آن جا با مصطفی پورمحمدی و علی فلاحیان همکاری کرد.

حمید نوری، به شهادت زندانیانی که روزگاری در زندان گوهردشت محبوس بوده اند، از اعضای فعال «هیات اعدام در زندان گوهردشت» بوده است

دادگاهی در سویدن حکم بازداشت یک شهروند ایرانی را به ظن جنایت علیه بشریت و کشتار زندانیان سیاسی در تابستان سال ۱۳۶۷ تمدید کرد تا شاکیان پرونده فرصت یابند مدارک بیش تری علیه او جمع کنند.

شماری از زندانیان سیاسی سابق برای شهادت درباره هویت فردی با نام اصلی «حمید نوری» و نام مستعار «عباسی» به دادگاهی در سویدن فراخوانده شدند.

این نخستین بار است که یک ایرانی به اتهام شرکت در کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ و جنایت علیه بشریت در داخل ایران در خارج از این کشور بازداشت می‌شود. بلافاصله پس از تمدید قرار بازداشت «حمید نوری» در سویدن، این خبر به تیتیر یک تمام رسانه ها تبدیل شد و اگنس کالامارد، گزارشگر ویژه اعدام های فراقانونی در سازمان ملل متحد گفت: «این اولین گام مهم به سوی عدالت درباره اعدام‌های سال ۱۳۶۷ است.»

بیش ترین گزارش های به جا مانده از بند مردان در کشتار سال ۱۳۶۷ نیز مربوط به زندان گوهردشت است، در دیگر زندان آن زمان استان تهران. گمان می رود در دوران اعدام ها، زندان گوهردشت از جمله زندان هائی بود که شمار زیادی از زندانیان سیاسی مرد در آن جا محبوس بودند.

در خاطرات زندانیان گزارش های مفصلی از زندان گوهردشت بیرون آمده است، گزارش هائی که حکایت از خشونت شدید زندان بانان علیه زندانیان سرموضعی و مقاوم دارد؛ گزارش هائی که حالا می تواند نتیجه دادگاه را رقم زند.

می گویند فرد بازداشت شده حالا وکیل است؛ درست شبیه مرتضی اشراقی دادستان وقت تهران در زمان اعدام ها و از اعضای اصلی هیات تصمیم گیرنده درباره کشتارها که اکنون به شغل وکالت مشغول شده است.

اگر در کار دادگاه خللی از سوی همکاری های نولت سویدن و ایران، وارد نشود و دادگاه هم چنان به استقلال خود متکی باشد شاکیان و شاهدان پرونده اسناد کافی جمع ارائه خواهند داد تا حمید نوری نخستین مقام حکومت اسلامی باشد که به اتهام جنایت علیه بشریت و شرکت در کشتار تابستان ۶۷ در خارج از ایران محاکمه می شود؛ آن چه برای دادخواهان اعدام های سال ۱۳۶۷ گامی بلند به سوی تحقق عدالت است.

هنوز روشن نیست که دادگاه و پولیس سویدن از چه طریقی متوجه ورود او به سویدن شده است. هم چنین این سؤال مطرح است که چرا بارها به المان سفر کرده است؟

به گزارش رادیو فارسی زبان المان «دویچه وله»، برای اولین بار در تاریخ حکومت اسلامی ایران، یکی از کارگزاران حکومت ایران به دلیل کارهایش در داخل کشور، در اروپا دستگیر و محاکمه می شود. حمید نوری به اتهام «جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت، شکنجه و مشارکت در امر جرم مستمر» در دادگاه کیفری سویدن محاکمه می شود.

عفو بین الملل در برابر دفاع اخیر مصطفی پورمحمدی، مشاور قوه قضائیه، از اعدام های جمعی زندانیان سیاسی در سال ۶۷ واکنش نشان داده، آن را دلیل مصونیت مسؤلان کشتار در برابر مجازات دانسته و خواستار برقراری عدالت شده است.

بیش از سی سال از اعدام های تابستان ۱۳۶۷ در ایران گذشته است. اعدام هائی که با فتوای آیت الله خمینی جنایت کار، بنیان گذار حکومت اسلامی ایران، آغاز شد و تمام تابستان و پائیز آن سال در سراسر زندان های ایران اجرا شد.

آیت الله خمینی در فتوای معروف خود که در آن حکم به اعدام زندانیان سر موضع داده است، می گوید: «کسانی که در زندان های سراسر کشور بر سر موضع نفاق خود پافشاری می کنند، محکوم به اعدام می باشند. تشخیص در تهران، «با آقایان نیری (حاکم شرع)، اشراقی (دادستان تهران) و نماینده وزارت اطلاعات است.»

بر اساس فایل صوتی که از آیت الله منتظری منتشر شده است، او تنها مقام مخالف در حکومت وقت ایران با این احکام بوده است..

آیت الله منتظری در بخشی از این فایل صوتی گفته است: «به نظر من بزرگ ترین جنایت که به جمهوری اسلامی شده و در تاریخ ما را محکوم می کنند به دست شما انجام شده است و شما را در آینده جزء جنایت کاران در تاریخ می نویسند، این را بدون رو دروایی می گم.»

آیت الله علی رازینی، یکی از جنایت کاران حکومت اسلامی، پندی پیش در رابطه با کشتار زندانیان سیاسی در سال ۶۷، گفته است: «... خمینی در این زمینه کاری انجام دادند که هیچ کدام از فقهای گذشته در طول تاریخ انجام نداده بودند.»

«... خمینی قاطع بودند و ملاحظه کاری در حکم خدا نداشتند چون حکم خدا این است که محارب باید اعدام شود. امام به ادعاهای حقوق بشری غربی ها توجه نکردند و گوش شان به این حرف ها بدهکار نبود.»

«... ۸۰ الی ۹۰ درصد بچه های دبیرستانی و دانشجو گروهکی بودند. ما شروع کردیم به محاکمه و رسیدگی به پرونده آن ها. وقتی که آن ها را محاکمه کردیم پس از دو سه ماه ورق برگشت.»

مسئولان دخیل در قتل عام ۶۷، نیری، رئیسی، ری شهری، اشراقی، پورمحمدی بودند.



اعترافات تکان دهنده از زبان یک جنایت کار حکومت اسلامی است؛ جنایت کاری که از بالاترین مهره های قلع و قمع و سرکوب در در حکومت جهل و جنایت اسلامی محسوب می شود. او رئیس فعلی شعبه ۴۱ دیوان عالی کشور است. در گذشته نیز ریاست کل دیوان به اصطلاح عدالت اداری، ریاست دادگاه ویژه روحانیت، معاونت اجرائی دیوان عالی کشور، ریاست کل دادگستری استان تهران، ریاست سازمان قضائی نیروهای مسلح کشور، ریاست دادگاه ویژه رسیدگی به تخلفات جنگ به حکم خمینی را به عهده داشته و همچنین عضو مجلس خبرگان (در دوره چهارم) بوده است.

پس از سال ها سکوت درباره یکی از گسترده ترین کشتارهای انجام شده بعد از اسلامی ۵۷، آیت الله علی خامنه ای، رهبر ایران روز ۱۴ خرداد ماه ۱۳۹۶، در یک سخنرانی با دفاع از اعدام های دهه شصت و انتقاد از کسانی که در جریان انتخابات ریاست جمهوری بر علیه اعدام ها و عملکرد ابراهیم رئیسی موضع گرفتند، گفت: «دهه شصت یک دهه مظلوم و در عین حال بسیار مهم و سرنوشت ساز در تاریخ انقلاب اسلامی است که متأسفانه ناشناخته مانده و اخیراً هم به وسیله برخی بلندگوها و صاحبان آن ها مورد تهاجم قرار گرفته است.»

او در سخنرانی خود در سالگرد مرگ آیت الله خمینی، بنیان گذار حکومت تبه کار و مافیائی اسلامی در ایران، روز ۱۴ خرداد ماه گفت: «دهه شصت، دهه افتخارات بزرگ است، دهه مبارزه با تجزیه طلبی است.» اشاره غیر مستقیم رهبری به

«برخی بلندگوها و صاحبان آن‌ها» حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران است که در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ماه غیرمستقیم به ابراهیم رئیسی رقیب خود تاخت و برای اولین بار گفت: «مردم به آن هائی که فقط زندان و اعدام بلدند» رای نخواهند داد.

خامنه‌ای با تهدید غیر مستقیم منتقدان اعدام‌های دهه شصت گفت: «مراقب باشیم تا در دهه شصت، جای شهید و جلاذ عوض نشود.» او با اظهار این‌که ملت ایران از اعدام‌ها راضی هستند، گفت: «به دلیل این‌که تروریست‌ها و منافقین و پشتیبانان آن‌ها به امام و ملت ایران ظلم و خبثت کردند، ملت در موضع دفاع قرار گرفت و در نهایت هم پیروز شد.»

سه روز قبل از صحبت‌های خامنه‌ای، غلامعلی حداد عادل، عضو شورای مرکزی جبهه مردمی و از نزدیکان خامنه‌ای، برای اولین بار پس از انتقادهای مفصل که از ابراهیم رئیسی در جریان انتخابات ریاست جمهوری شده بود با دفاع مستقیم از او و اعدام‌های دهه شصت گفت: «آیا باید گفت که مردم به کسی که حکم اعدام داده رای نمی‌دهند؟»

به گواه زندانیان سیاسی سابق که از این اعدام‌ها جان به در برده‌اند، اکثر هم‌بندیان آن‌ها که اعدام شدند افرادی بودند که در حال گذراندن دوران محکومیت بوده یا محکومیت‌شان تمام شده بود و حاضر به امضای «انزجارنامه» نبودند. بسیاری از بازداشت‌شدگان در دهه ۶۰ جوانانی در دهه ۲۰ زندگی خود بودند که به گفته خود زندانیان عمدتاً به دلیل «داشتن اعلامیه و نه فعالیت مسلحانه بازداشت شده بودند» و در تابستان ۶۷ در حال گذراندن محکومیت خود بودند.

مشخص نیست چه تعداد از زندانیان اعضا و هواداران سازمان‌ها و احزاب چپ چه تعداد اعضا و هواداران سازمان مجاهدین خلق در تابستان ۶۷ اعدام شدند. به علاوه اعدام‌ها نه سال ۶۷، بلکه از همان روزهای نخست به قدرت رسیدن حکومت اسلامی با اعدام ژنرال‌ها و برخی مقامات حکومت شاه آغاز شد و طولی نکشید که خلخال از سوی خمینی مأمور کشتار نیروهای انقلابی غیرمذهبی و یا مذهبی منتقد مانند مجاهدین و حزب خلق مسلمان و... شد.

دهه ۶۰ در تاریخ ایران فراموش نشدنی است. طی این سال‌ها و تا همین امروز و فرداهای دیگر هزاران خانواده با یاد بستگان اعدام شده‌شان روزگار می‌گذرانند. سال‌های بین ۵۷ تا ۶۷، در سرکوب و سانسور و اعدام‌های همه عناصر و جناح‌های رنگارنگ حکومت اسلامی مستقیماً سهیم بودند. تنها در اعدام‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۴، حدود ۱۱ هزار نفر براساس آمارهای موجود در زندان‌های مختلف تیرباران یا اعدام و یا زیر شکنجه کشته شدند و مقطع ۶۷ که با فرمان آیت‌الله خمینی، رهبر وقت حکومت اسلامی ایران، بسیاری از زندانیانی که دوران محکومیت‌شان را سپری می‌کردند طی سه ماه به جوخه‌های اعدام سپرده شدند و از مردادماه تا اواسط آذر همان سال براساس آمارهای موجود بیش از ۴ هزار نفر کشته شدند. اما گفته می‌شود این رقم مربوط به تهران بوده است و آماری از اعدامیان شهرهای سراسر ایران در دست نیست.

کشتارهای دهه شصت به ویژه کشتار ۱۳۶۷، وقایع تابستان ۶۷ در زندان‌های ایران را جنایتی خواند که «بر پیکر جامعه ایرانی زخمی عمیق و باز بر جا گذاشته» که تنها از طریق دادگاهی همه جنایت‌کاران حکومت اسلامی و یافتن حقیقت درباره این جنایت می‌تواند التیام یابد.

در گزارش آذر ماه ۱۳۹۷، «عفو بین‌الملل»، حکومت ایران در «جنایات مداوم علیه بشریت» برآمده از قتل عام هزاران مخالف سیاسی در سال ۱۳۶۷ دست دارد.

درباره شمار اعدام‌شدگان روایت‌های متفاوتی از ۳۰ هزار نفر تا نزدیک به ۴۵۰۰ نفر وجود دارد که عفو بین‌الملل به این آخری قائل است. در گزارش تازه «عفو بین‌الملل» با عنوان «اسرار خون آلود ایران: چرا کشتار ایران در زندان در سال ۱۳۶۷ جنایات مداوم علیه بشریت است»، قید شده که با تلاش قربانیان برای اجرای عدالت در مورد عزیزان‌شان جزئیات بیش‌تری از آن کشتار فاش شده است.

در این گزارش ۲۰۱ صفحه‌ای که ۴ دسامبر ۲۰۱۸، منتشر شد، آمده است: «در فاصله ژوئیه و سپتامبر ۱۹۸۸، مقام‌های ایران هزاران زندانی سیاسی مخالف را پنهانی به زور و به شکلی فراقانونی ناپدید یا اعدام کرده و اجسادشان را در گورهای جمعی بی‌نشان دفن کردند.»

«از آن زمان تا کنون، مقام‌های مسؤول با این کشتارها به عنوان اسرار حکومتی برخورد کرده و با سر باز زدن از ارائه هر گونه توضیحی درباره چگونگی و چرایی کشتارها و محل دفن اعدام‌شدگان بستگان آن‌ها را عذاب می‌دهند.»

«هیچ مقام مسؤولی محاکمه نشده است، در بعضی موارد، افراد درگیر در آن کشتار هم چنان یا پیش تر در موضع قدرت بوده اند.»

سازمان مدافع حقوق بشر عفو بین الملل در اطلاعیه مطبوعاتی‌ای که سه شنبه ۳۰ ژوئیه ۲۰۱۹ - ۸ مرداد ۱۳۹۸، منتشر کرده اظهارات اخیر مصطفی پورمحمدی درباره قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ در ایران را نشانه مصونیت او و دیگر مسؤلان آن کشتار جمعی در برابر محاکمه و مجازات دانسته است.

مصطفی پورمحمدی، وزیر سابق دادگستری و مشاور کنونی قوه قضائیه که رئیس آن ابراهیم رئیسی هم مانند پورمحمدی به عنوان یکی از مسؤلان کشتار جمعی زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ شناخته شده، در مصاحبه‌ای که به تازگی داشته از این اعدام‌ها دفاع کرده است. سازمان عفو بین‌الملل دفاع پورمحمدی را نشان‌گر مصونیت او در قبال مجازات و پاسخ‌گویی می‌داند.

پورمحمدی در مصاحبه با هفته‌نامه «مثلت» از قتل‌های گوناگونی چون «قتل‌های زنجیره‌ای» در دهه ۱۳۷۰ دفاع کرده و در رابطه با قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ گفته است که او نیست که باید در رابطه با اعدام‌های سیاسی پاسخ‌گو باشد بلکه «منافقین باید پای میز محاکمه بیایند و به حساب تک‌تک آنان رسیدگی شود.» حکومت اسلامی لفظ «منافقین» را برای «مجاهدین خلق ایران» به کار می‌برد.

این اعدام‌ها که ناقض بسیاری از پیمان‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی و قوانین داخلی بود. خاوران، مزار بسیاری از قربانیان اعدام‌های جمعی زندانیان سیاسی ۶۷؛ عفو بین‌الملل می‌گوید که جان‌بدربرندگان، خانواده‌ها و فعالان حقوق بشر در معرض خطرند چون پورمحمدی می‌گوید آن‌ها باید تحت پیگرد قرار گیرند.

سازمان عفو بین‌الملل به خصوص نگران اتهام‌هایی چون طرفداری از «تروریسم» و «توطئه» و هم‌دستی با دشمنان ژئوپلیتیک ایران است که مصطفی پورمحمدی به کسانی می‌زند که خواستار پاسخ‌گویی مسؤلان کشتار زندانیان سیاسی و حقیقت‌هستند. پورمحمدی، معتقد است که این افراد هستند که باید تحت پیگرد قانونی قرار گیرند.

عفو بین‌الملل هشدار می‌دهد که اظهارات پورمحمدی و نیز انتصاب ابراهیم رئیسی در ماه مارس ۲۰۱۹ به ریاست قوه قضائیه جمهوری اسلامی به معنای آن است که جان‌بدربرندگان از اعدام‌های جمعی و خانواده‌های اعدام‌شدگان و مدافعان حقوق بشر در معرض خطر آزار و تعقیب قرار گرفته‌اند تنها به این دلیل که آن‌ها خواستار روشن شدن حقیقت هستند.

این سازمان بین‌المللی مدافع حقوق بشر، با اشاره به دست‌یازی مقامات مسؤل جمهوری اسلامی به تهدید و سرکوب کسانی که در پی پاسخ‌گویی و حقیقت‌هستند می‌نویسد که مقامات رسمی کنونی و قدیم جمهوری اسلامی نباید اجازه یابند که سپری محافظ در برابر مسؤولیت‌خواهی نسبت به اعدام‌های جمعی زندانیان سیاسی داشته باشند که عفو بین‌الملل آن‌را «فراقضائی» خوانده است. برخی از فعالان حقوق بشر به استفاده از صفت «فراقضائی» برای اعدام‌های جمعی سیاسی در چارچوب نظامی که مجموع قوه قضائیه آن زیر سؤال است، انتقاد کرده‌اند.

از همین رو، عفو بین‌الملل بار دیگر از سازمان ملل خواسته تا به روشنی و صراحت درباره مصونیتی که در حال حاضر مسؤلان قتل عام زندانیان سیاسی ایران در سال ۱۳۶۷ از آن برخوردارند صحبت کند.

عفو بین‌الملل، هم‌چنین از جامعه بین‌الملل خواسته تا راه‌هایی مشخص برای رسیدن به حقیقت و عدالت بیابد راه‌هایی که تضمین‌گر محاکمه و پاسخ‌گویی مسؤلان جنایت‌ها باشند. سازمان عفو بین‌الملل خواستار آن است که چنین محاکماتی بدون توسل به مجازات اعدام برگزار شوند.

این سازمان حقوق بشری درباره وظیفه‌ای که در برابر بازماندگان و خانواده‌های قربانیان اعدام‌های جمعی وجود دارد می‌نویسد: «بازماندگان و خانواده‌های قربانیان باید از غرامت‌های مطابق با موازین بین‌المللی برخوردار شوند. این جبران خسارت باید شامل تسهیل در استرداد اجساد قربانیان به خانواده‌هایشان و هم‌چنین فراهم آوردن امکان خاک‌سپاری و برگزاری آئین سوگواری برای آنان باشد.»



تاکنون صدها اعلان جرم بر علیه کشتارهای و شکنجه ها و ترورهای اعمال شده توسط حکومت اسلامی، و نیز اشخاص معینی درد اخل و خارج کشور در جریان بوده و هنوز هم هست.

به طور خاص در ارتباط با محاکمه دیکتاتور سابق شیلی، پینوشه که قبلا از آن صحبت شد، هم چنین در مورد تثبیت دادگاه بین المللی سازمان ملل در ارتباط با (جنایت های انجام شده در) یوگسلاوی سابق یا رواندا و یا دادگاهی که در مورد کشته شدن رفیق حریری (نخست وزیر سابق لبنان) فعال است، در همه این موارد، پرونده محاکمه پینوشه استانداردهای جدید حقوقی را موجب شد. از آن زمان یک نظام بین المللی حقوقی وجود دارد که به نام: «دادگاه جنایت بر علیه بشریت».

این جنایات، جنایاتی هستند که به همه انسان ها، همه کشورها، و همه مناطق و نظام های قضائی در سراسر جهان مربوط است، چرا که ماهیت جرم به وقوع پیوسته محدود به فقط منطقه و خاک تحت حاکمیتی که جرم در آن جا به وقوع پیوسته نمی باشد. این بدان معنی است که هر کسی که مرتکب چنین جنایاتی شود، که شکنجه، ناپدید شدگان، نسل کشی و قتل عام که به طور سازمان یافته انجام شده اند، در این همین ردیف قرار دارند، هر کس و هر جریان و هر دولتی که مرتکب چنین جنایاتی شده باشد، نمی تواند در هیچ جایی در جهان از مجازات بگریزد و پناهندگی نیز به او تعلق نخواهد گرفت. چنین شخصی باید از سوی همه کشورها تحت تعقیب باشد و باید یا در دادگاه به محاکمه کشیده شود یا به کشوری که جرم در آن جا به وقوع پیوسته استرداد شود به شرطی که حکومت تغییر کرده باشد. ابزارهای حقوقی مشخصی نیز وجود دارند که این حقوق بین المللی را تقویت می کنند. مدت زمانی طولانی قبل از شکل گیری این دادگاه نیز ما کنوانسیون منع شکنجه را داشتیم. این کنوانسیون کشورهای عضو که این قرارداد را امضاء کرده اند موظف اند که مجرمین را، هر کجا که اقامت داشته باشند، تحت تعقیب قرار داده و آن ها را مورد حمایت قرار ندهند. در این میان، از اواخر سال ۲۰۰۷ و سال قبل از آن نیز یک کنوانسیون مبارزه با ناپدید شدگی وجود دارد که خواسته های مشابه ای را مطرح می کند. هم چنین منشوری به نام «منشور رم» وجود دارد که بر اساس آن دادگاه بین المللی جنائی در دن هاگ تاسیس شده است که کشورهای عضو را موظف می کند که موارد سنگین نقض حقوق بشر و جرائم خاص بر علیه بشریت را به عنوان جرم، تحت تعقیب قرار دهند. اما متأسفانه در دوره حاضر شرایط بین المللی، روابط و مناسبات دولت ها و نهادهای بین المللی وابسته به دولت ها هم چون سازمان ملل متحد، نه تنها برای حفظ منافع سرمایه داری و قدرت خود به هرگونه فساد و جنایت و جنگ متوسط می شوند، بلکه همین قوانینی که با فشار افکار عمومی و فشار جنبش های اجتماعی به دولت ها و نهادهای بین المللی تحمیل شده است را رعایت نیم کنند. نمونه اش به خاک و خون کشیدن جنبش «بهار عربی». اشغال نظامی افغانستان، عراق، تکه تکه کردن لیبی، جنگ هشت ساله در سوریه، چهار ساله در یمن، ادامه اشغال سرزمین های فلسطینی توسط حکومت اسرائیل، اشغال نظامی برخی شهرهای روژآوا (کردستان سوریه) توسط ارتش اشغال گر و فاشیست حکومت ترکیه و...



اخیرا دولت آرژانتین از جمهوری آذربایجان خواسته بود تا علی اکبر ولایتی، مشاور امور بین المللی رهبر حکومت اسلامی را بازداشت کرده و تحویل آن کشور دهد. ولایتی از جمله متهمان دست داشتن در انفجار مرکز یهودیان آرژانتین با ۸۵ کشته است.

علی اکبر ولایتی، مشاور امور بین الملل علی خامنه ای، به دست داشتن در رابطه با بمب گذاری در مرکز یهودیان بوئنوس آیرس موسوم به «آمیا» در سال ۱۹۹۴، متهم

است.

انفجار یک خودرو در ژوئیه سال ۱۹۹۴ میلادی در مرکز یهودیان آرژانتین «آمیا» در بوئنوس آیرس، ۸۵ کشته و بیش از ۳۰۰ زخمی بر جای گذاشت. این انفجار همچنین سبب ویرانی یا آسیب‌دیدگی شدید حدود ۴۰۰ واحد مسکونی در پیرامون محل انفجار شد.

تاکنون هیچ گروهی مسؤلیت انفجار «آمیا» را برعهده نگرفته و جمهوری اسلامی نیز این اتهام را رد کرده است، اما اسرائیل و بازرسان آرژانتینی رد پای ایران را در این حادثه تروریستی می‌بینند.

ولایتی که در زمان انفجار «آمیا» وزیر خارجه حکومت اسلامی ایران بود، متهم به دست داشتن در این حمله تروریستی است. او اینک مشاور رهبر حکومت اسلامی در امور بین الملل و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام است که تمام اعضایش با حکم مستقیم علی خامنه ای منتصب می شوند.

نام بسیاری از چهره های سرشناس حکومت اسلامی در پرونده «آمیا» مطرح شد. اکبر هاشمی رفسنجانی، علی فلاحیان و علی اکبر ولایتی، به ترتیب رئیس جمهوری، وزیر اطلاعات و وزیر خارجه وقت حکومت اسلامی ایران و نیز احمد وحیدی، محسن رضائی، احمدرضا اصغری و محسن ربانی، به ترتیب فرمانده وقت نیروی قدس، فرمانده وقت سپاه پاسداران، دبیر سوم وقت سفارت حکومت اسلامی ایران در آرژانتین و رایزن فرهنگی وقت این سفارت و هم چنین چند فرد و سازمان لبنانی از جمله به عنوان متهمان این پرونده معرفی شدند.

آرژانتین پیش از این دو بار دیگر، یک بار در جریان سفر ولایتی به سنگاپور و مالزی در سال ۲۰۱۶ و یک بار هم دو سال بعد در جریان سفر او به روسیه و چین، خواستار بازداشت و استرداد مشاور رهبر حکومت اسلامی شده بود. این درخواست ها اما با پاسخ مثبت این کشورها مواجه نشد.

از باز شدن پرونده «آمیا» بیش از ۲۵ سال می گذرد. آلبرتو نیسمن، دادستان سابق آرژانتین که کریستینا کیرشنر، رئیس جمهوری وقت این کشور را به «تیبانی» با حکومت اسلامی ایران متهم کرد، تلاش کرده بود تا پرونده را دوباره به جریان بیدازد. جسد نیسمن اما در سال ۲۰۱۵ میلادی در وان حمام خانه اش پیدا شد. در حالی که برخی شائبه «خودکشی» دادستان سابق آرژانتین را مطرح می کردند، یکی از دادگاه های این کشور اوایل ژوئن ۲۰۱۸ طی حکمی اعلام کرد که آلبرتو نیسمن قطعا به قتل رسیده است.

آرژانتین در حالی خواستار بازداشت و استرداد علی اکبر ولایتی توسط دولت آذربایجان شده که امریکا حدود یک هفته پیش شماری از نزدیکان رهبر حکومت اسلامی، از جمله ولایتی را در فهرست جدید تحریم های خود قرار داد. به گفته وزیر خزانه داری امریکا، افراد حقیقی تحریم شده در فهرستی که ۱۳ آبان منتشر شد، مقام هائی انتصابی هستند که در شمار زیادی از «اقدامات شرارت آمیز» حکومت اسلامی، از جمله انفجار پایگاه تفنگ داران نیروی دریائی ایالات متحده در بیروت در سال ۱۹۸۳ و انفجار «آمیا» در بوئنوس آیرس دست داشته اند.

اکنون معلوم نیست فرد دستگیر شده ایرانی در سویدن، رابطه ای با سیاست های امریکا علیه مقامات حکومت اسلامی ایران دارد یا نه؟

روز ۳۰ اوت - هشتم شهریور، روز جهانی «ناپدیدسازی قهری» به سرنوشت کسانی اشاره دارد که سر به نیست شده اند. آن ها کسانی هستند که در حکومت های دیکتاتوری، جنگ، درگیری های سیاسی یا در مسیر مهاجرت به دلایل نامعلومی ناپدید شده اند.

در بیانیه عفو بین الملل کخه در بالا به آن اشاره کردیم، از جمله آمده است: «دنیا چشم خود را بر فاجعه اعدام های جمعی و ناپدیدشدگان سال ۶۷ در ایران بسته است.»

در این بیانیه، تاکید شده که بستگان کسانی که سال ۶۷ در خفا در زندان کشته شدند هنوز در رنج و عذاب هستند. فیلیپ لوتر، مدیر بخش تحقیقات و امور حقوقی خاورمیانه و شمال آفریقای عفو بین الملل می گوید: «آن ها و افراد پرشمار دیگری که در جستجوی اجساد مفقوده شده هستند، تا به امروز از بی عدالتی سیستم قضائی ایران عذاب می کشند.»

عفو بین الملل تاکید کرده است که بر اساس حقوق بین الملل تا زمانی که یک دولت در مورد سرنوشت یا محل نگه داری قربانیان روشننگری نکند، یا در صورت مرگ او جنازه اش را به خانواده اش تحویل نداده باشد، ارتکاب جرم به پایان نرسیده است.

عفو بین الملل با اشاره به گزارش ۳۰۰ صفحه ای خود در مورد اعدام های سال ۶۷ که دسامبر سال ۲۰۱۸ میلادی منتشر شد، تاکید کرده است: که مرگ هزاران قربانی هنوز ثبت نشده و هزاران جنازه ناپدیدشده در نقاط مختلف ایران دفن شده اند.



دادگاه بین المللی «ایران تریبونال» که با تلاش پیگیری جمعی از زندانیان سیاسی جان به در برده از اعدام های دهه شصت، خانواده های جان باختگان و کنشگران عرصه های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تشکیل شده بود، در دو مرحله رسیدگی در «لندن و لاهه»، حکومت اسلامی را به ارتکاب «جنایت علیه بشریت» محکوم کرده است. حکم ۵۱ صفحه ای و ۱۷۰ ماده ای این دادگاه نمادین، حذف و سرکوب زندانیان سیاسی در دهه شصت را نسل کشی می خواند.

ایران تریبونال از کارگروه های مختلف، کمیسیون حقیقت یاب و تیم های حقوقی و دادستانی تشکیل شده و وکلای سرشناسی چون جان دوگارد (پروفسور حقوق بین الملل)، اریک دیوید (پروفسور حقوق جنائی بین المللی)، نانسی هورماشیا (دکتر حقوق)، جفری نایس (پروفسور حقوق) و ... با آن همکاری کردند.

هیچ کدام از وکلای پول و دستمزد نگرفتند و از خودشان هم خرج کردند. حتی خانواده ها و شاهدان نیز به خرج خودشان به دادگاه آمدند. بعضی از وکلای باورشان نمی شد. بعد از شنیدن شهادت افراد می گفتند ما در ثبت ماجرا مدیون شما هستیم.

کارزار ایران تریبونال، در کلیت خودش از الگو و قانون مندی دادگاه راسل پیروی می کرد؛ دادگاهی که به کوشش برتراند راسل و ژان پل سارتر، نویسندگان انگلیسی و فرانسوی در سال ۱۹۶۵ برای محکومیت امریکا در جنگ ویتنام برپا شد و توجه افکار عمومی جهان را به جنایات انجام شده در این جنگ جلب کرد.

در ایران تریبونال، زیر مجموعه ای به نام «کمیته دیدبان» درست شده تا برای تک تک عاملان و آمران جنایت ها فهرست عملکردشان را تهیه کرده و هنوز هم مشغول است. در این مورد اطلاعیه مطبوعاتی منتشر شده که در آن اعلام کرده اند با کمک وکلای، مستندات اعمال این افراد در حال تهیه است. البته دادگاه واقعی مورد نظر ما برای محاکمه آمران و عاملان جنایات و اعدام ها، صرفاً وقتی تشکیل خواهد شد که کلیت حکومت اسلامی سرنگون شده باشد. بنابراین در مرحله کنونی فعالیت ها در این چارچوب است.

اسناد تلاش ها برای روشننگری و دادخواهی از دایره برگزاری دادگاه فرتر رفته و به زبان انگلیسی و فارسی منتشر شده اند که نسل جوان از اتفاق های دهه شصت با خبر شده است. نسل جدید را هم باید در چارچوب سرکوب و خفقان موجود در ایران دید. به عقیده من، با اسناد و یادمان ها و مراسمی که گرفته می شود و دادگاهی برگزار شد، واقعیت جنایت بازگوئی شده و تاثیر گذاشته است.

اگر جنبش دادخواهی مادران خاوران راه نیفتاده بود، مادران پارک لاله شکل نمی گرفت و در ادامه جریان مادران عزادار پدید نمی آمد شاید این دادگاه نیز با موفقیت برگزار نمی شد. دهه شصت و سال های ۶۷، ۷۸، ۸۸، ۹۶ و الان ۹۸، کنشگری ها در هر مرحله ادامه هم و تکمیل کننده هم بودند. خاوران تهران و خاوران های سراسر ایران اسناد مهم زنده نگاه داشتن جنایات حکومت اسلامی هستند. می دانیم نیروهای سرکوبگر حکومتی چه قدر با تجمع کنندگان خاوران حمله کرده اند، چه قدر خانواده ها را اذیت کرده اند و جلوی شان را گرفته اند؟ بنابراین، مبارزه علیه حکومت اسلامی و دادخواهی در عرصه های مختلفی در داخل و خارج کشور پیگیرانه دنبال شده است.

دادگاه ایران تریبونال، در آخر به این نتیجه رسید که اعدام های دسته جمعی دهه ۱۳۶۰، تحت قانون بین المللی، مشمول «جنایت علیه بشریت» بوده و جمهوری اسلامی ایران باید به خاطر آن محاکمه شود. ولی شاید بتوان گفت که مهم ترین بخش این فرایند، گواهی های ارائه شده از سوی شاهدان دادگاه بود و نه جمع بندی حقوقی ارائه شده. همه کسانی که در این فرایند شرکت داشتند، از جمله قضات و وکلای برجسته غیر ایرانی، اعلام کردند که قدرت کسانی که شهادت بیان این فجایع توصیف ناپذیر را داشتند را هیچ گاه فراموش نخواهند کرد. نام فرد دستگیر شده بارها در این دادگاه برده شده بود.

مهدی خزعلی پسر آیت الله خزعلی که سال ها در حکومت اسلامی ایران دارای مسؤولیت های مختلف بوده است، در مصاحبه ای که روز ۵ شهریور ۱۳۹۵ درباره کشتار های سال ۶۷ در اینترنت گذاشته شده، این چنین اعتراف کرده است: «اما این هوادار در سال ۶۰ و در دهه ۶۰ دستگیر شدن محاکمه شدن با احکام شدید و غلیظی که باز هم آن احکام نیز بسیاری واقعا منصفانه و (نامفهوم) قانون نبود به سال ها ۵ و ۶ سال حبس طرف با يك اعلامیه که در جیب اش داشت ۵ سال حبس گرفته است، بسیاری از افراد در آن سال ها، با يك اعلامیه در خوابگاه دانشجوی طب بود اعدام شده است. همه این ها رو داریم اما با تمام احکام شدیدالحن شما با همین دادگاه هائی که خیلی سریع و تند محاکمه می کردن این ها به حبس محکوم شده بودن و می بایستی آزاد می شدند این که ما بهانه ای بیاوریم این ها رو از سلول ها بیاوریم بیرون و بدار بیاویزیم هیچ توجیه ای ندارد و مهم تر این که آئین دادرسی در این ها رعایت نشده است. این که محاکمه عادلانه ای بشود حکمی ابلاغ بشود و کیلی داشته باشند فرجام خواهی بکنند دیوانی برود قضات دیوان این حکم رو تائید کنند این مراحل که بایستی انجام شود و زمان هائی که آئین دادرسی تعیین کرده است اصلا شدنی نیست آقایی که می گویند ما به حکم عمل کردیم برای حکم اعدام حداقل زمان رعایت همان ابلاغ (نامفهوم) تجدید نظر خواهی همه این ها امکانش بود ظرف يك ماه به روایتی، روایت آقای منتظری قریب ۴ هزار نفر به روایت معاونت وزارت اطلاعات قریب ۲۰ هزار نفر در تهران و استان ها یعنی ۴ هزار نفر مال تهران هست و به روایتی کسی مثل آقای ملکی قریب ۳۳ هزار نفر ظرف يك ماه و چند روز سی و چند روز به دار آویخته شدن این ها آیا جنازه هاشون تحویل شد آیا خانواده ها اطلاع پیدا کردن آیا قبری به خانواده ها تحویل دادید. همه این ها حقوق شهروندی است که شما زیر پا گذاشتید اما چه کسانی این کار رو کردن؟ قطعاً بایستی این سه نفری که الان یکی شون وزیر است، یکی شون رئیس آستان قدس است، و یکی شون ریاست دادگاه انتظامی قضات را داره، باید پاسخ گو باشند.»

او در ادامه می گوید: «... قبل از این که بخواهم به خاطرات رئیس زندان و مسؤول فرهنگی و کارشناس فرهنگی زندان که تکان دهنده است و مو بر تن آدم راست می شود و به آن بیردازم، فکر می کنم یعنی چرا در آن ماه ها این ها می خواستند چه کنند، واقعیت این است که امام جام زهر را نوشید، رهبر کاریزماتیک و مقتدری که با انقلاب خودش نظام سلطنت ۲۵۰۰ ساله رو سرنگون کرده و نظام جمهوری اسلامی را برقرار کرده و در طول ۸ سال دفاع گفته است، جنگ جنگ تا پیروزی، جنگ جنگ تا رفع کل فتنه از جهان و راه قدس از کربلا می گذارد، ناچار شده است در آخر جنگ بعد از دو هفته ای بعد از اینکه هواپیمای مسافربری ما رو زدند و مسائل دیگر، وقتی که می بیند فرمانده سپاه می گوید پوتین برای سربازان مون نداریم، برای رزمندگان مون نداریم، ناچار می شود به مصلحت مملکت اقدام شجاعانه ای بکند و جام زهر را بنوشد، اما بعد از آن می گوید دو روز امام از اتاقش بیرون نیامد، چیزی نخورد، بعد از آن دیگر به تعبیر آقای توسلی کسی لب خند امام رو ندید، بعد از آن در ملاء عام ظاهر نشد، و شرایط کاملاً عوض شده بود من فکر می کنم اطرافیان امام و بالاخره مسؤولین آن زمان می دانستند که با رفتن امام خطراتی تهدیدشان می کند، حالا آن ها تعبیرشان این بود که نظام رو تهدید می کند اما شاید در دل شان تجربه ای از نظام باشد که ما مسؤولین نظام مورد تهدید هستیم و می خواستند با اتوریته شخصیت کاریزماتیک امام دو کار بزرگ بکنند.»

خمینی به نامه پسرش احمد خمینی، که در مورد وضعیت زندانیان سیاسی که احکام شان در حال پایان است پرسش کرده بود، چنین جواب داده بود:

«بسمه تعالی»

در تمام موارد فوق هر کس در هر مرحله اگر بر سر نفاق باشد حکمش اعدام است. سریعاً دشمنان اسلام را نابود کنید. در صورت رسیدگی به وضع پرونده ها در هر صورت که حکم سریع تر اجرا گردد همان مورد نظر است.»

نامه آیت الله منتظری به آیت الله خمینی پس از اطلاع از اعدام ها، در کتاب خاطرات آیت الله منتظری، چنین آمده است:

«آیا می دانید که جنایاتی در زندان های جمهوری اسلامی به نام اسلام در حال وقوعند که شبیه آن در رژیم منحوس شاه هرگز دیده نشد؟ آیا می دانید که تعداد زیادی از زندانی ها تحت شکنجه توسط بازجویانشان کشته شده اند؟ آیا می دانید که در زندان (شهر) مشهد، حدود ۲۵ دختر به خاطر آن چه بر آن ها رفته بود ... مجبور به درآوردن تخمدان یا رحم شدند؟ آیا می دانید که در برخی زندان های جمهوری اسلامی دختران جوان به زور مورد تجاوز قرار می گیرند؟»

نامه آیت الله منتظری به عبدالکریم موسوی اردبیلی، رئیس شورای عالی قضائی:

«مگر قاضی های شما این ها را به ۵ یا ۱۰ سال زندان محکوم نکرده اند، مگر شما مسؤول نبوده اید، آن وقت تلفنی به احمد آقا می گویند که این ها را مثلاً در کاشان اعدام کنند یا در اصفهان. شما خودت می رفتی با آن ها صحبت می کردی که کسی که مثلاً مدتی در زندان است و به ۵ سال زندان محکوم شده و روحش هم از فعالیت های منافقین خیر دار نبوده چه طور ما او را اعدام کنیم.»

متن نامه حاکم شرع دادگاه انقلاب اسلامی خوزستان به آیت الله خمینی در مورد چگونگی اجرای احکام، ۲۳/۵/۱۳۶۷

«بسمه تعالی»

حضرت آیت الله العظمی امام خمینی دامت برکاته

با عرض سلام، در رابطه با حکم اخیر حضرت عالی راجع به منافقین گرچه اینجانب کوچک تر از آنم که در این باره صحبتی بکنم ولی از جهت کسب رهنمود و من باب وظیفه شرعی و مسؤولیت خطیری که در تشخیص موضوع به عهده می باشد معروض می دارد که بر سر نفاق بودن یا پافشاری بر موضع منافقین، تفسیرها و تحلیل های گوناگونی می شود و نظرها و سلیقه ها بین افراط و تفریط قرار دارد که به تفصیل خدمت حاج احمد آقا عرض کردم و از تکرار آن خودداری می شود. من باب مثال در دزفول تعدادی از زندانیان به نام های طاهر رنجبر - مصطفی بهزادی - احمد آسخ و محمدرضا آشوع با این که منافقین را محکوم می کردند و حاضر به هر نوع مصاحبه و افشاگری در رادیو و تلویزیون و ویدئو و یا اعلام موضع در جمع زندانیان بودند، نماینده اطلاعات از آن ها سؤال کرد شما که جمهوری اسلامی را بر حق و منافقین را بر باطل می دانید حاضرید همین الان به نفع جمهوری اسلامی در جبهه و جنگ و گلوگاه ها و غیره شرکت کنید، بعضی اظهار تردید و بعضی نفی کردند، نماینده اطلاعات گفت این ها سر موضع هستند چون حاضر نیستند که در راه نظام حق بجنگند. به ایشان گفتم پس اکثریت مردم ایران که حاضر نیستند به جبهه بروند منافقند؟ جواب داد حساب این ها با مردم عادی فرق می کند و در هر صورت با رای اکثریت نام بردگان محکوم شدند فقط فرد اخیر در مسیر اجرای حکم فرار کرد. لذا خواهشمند است در صورت مصلحت ملاک و معیاری برای این امر مشخص فرمائید تا مسؤولین اجرا دچار اشتباه و افراط و تفریط نشوند.

حاکم شرع دادگاه انقلاب اسلامی خوزستان - محمد حسین احمدی

رونوشت: حضرت آیت الله العظمی آقای منتظری مدظله»

به نظر می رسد که دستگیری «حمید نوری» با هماهنگی دولت سویدن نبوده است چرا که دولت سوسیال دموکرات سویدن فراتر از روابط معمولی دیپلماتیک، با حکومت اسلامی بده و بیستان دارد.

فتوای خمینی حدود ۲۴۰، ۲۵۰ کلمه و کم تر از یک صفحه است. در این تعداد کلمه، هم فتوا و حکم مذهبی و کشتار داد و هم نهاد و افرادی را که این را تشخیص می دهند، مشخص نمود. در ۲۴۰ - ۲۵۰ کلمه حرف هائی زده است که شاید در تاریخ بشر کم تر سابقه دارد و هزاران انسان صرفاً به دلیل مبارزه و مخالفت با حکومت، به کام مرگ فرستاده شدند.

این جنایت فراموش شدنی نیست. این جنایت، گریبان جنایت کاران را هرگز خلاص نخواهد کرد. به همین خاطر هم جنبش دادخواهی، جنبشی است که تا سرنگونی کلیت حکومت اسلامی و محاکمه علنی همه سران و مقامات حکومت اسلامی پیش خواهد رفت. به عبرت دیگر، پایان این جنبش دادخواهی، سرنگونی کلیت حکومت اسلامی است. هیچ چیزی کم تر از این برای مردم ایران و برای صاحبان خون جان باختگان و قتل عام شدگان نخواهد بود. صاحبان این خون ها، نه تنها خانواده آن ها و سازمان آن ها، بلکه همه شهروندان آزادی خواه، برابری طلب و عدالت جوی جامعه ایران است که هرگز حکومت اسلامی را رها نخواهند کرد.

بر اساس روایت بازماندگان، زندانیان سیاسی در جلسه هائی بدون تشریفات قضائی معمول، ظرف چند دقیقه به اعدام محکوم شدند. اجساد این زندانیان سیاسی مخفیانه و بدون اطلاع به خانواده هایشان در گورهای دسته جمعی به خاک سپرده شد. مصطفی پورمحمدی، ابراهیم رئیسی، مرتضی اشراقی و حسینعلی نیری از مقام هائی بودند که درباره اعدام زندانیان تصمیم گرفتند.

از صمیم قلب برای مادران و پدران و همسران و فرزندان داغ دیده و جان بدربردگانی که نزدیک به سه دهه باری سنگین و جگرخراشی را با خود حمل کرده اند اما لحظه ای دست از مقاومت و مبارزه برنداشته اند درود بفرستم و دست شان را به گرمی بفشارم!

برای مثال، سفیر کشور سویدن در تهران، در اواخر خرداد ۱۳۹۷ - یونی ۲۰۱۸، با بیان این که روابط خوبی بین ایران و سویدن برقرار است، گفت: «استکھلم و تهران در حال گسترش و تقویت روابط خود در زمینه اقتصادی هستند و این روابط در آینده بیش تر از گذشته تقویت خواهد شد.»



«هلنا سونگلند» (Helena sangeland)، سال گذشته در گفت و گو با خبرنگار ایرنا، گفته است: «ما روابط خیلی خوبی با ایران داریم که این روابط از ۲ سال گذشته تاکنون بسیار بهتر از گذشته شده است.»

او اضافه کرد: «از تیر ماه سال ۹۴ پس از توافق هسته ای ایران با کشورهای عضو گروه ۵+۱، کشورهای اروپائی روابط خود در تمامی زمینه ها را با ایران گسترش دادند.»

سفیر سویدن در ایران با بیان این که تهران و استکھلم بیانیه های بسیاری در زمینه همکاری های مشترک صادر کرده اند، گفت: «سال گذشته نخست وزیر سویدن به ایران سفر کرد و در این سفر در رابطه با مسائل مختلف از جمله مسائل اقتصادی با مقامات ایران به بحث و گفت و گو پرداخت.»

سونگلند به سفر معصومه ابتکار معاون رئیس جمهوری ایران به سویدن اشاره کرد و گفت: «افزایش سفرهای ۲ طرفه مقامات ایرانی و سویدنی را می توان یکی از نشانه های روابط مطلوب بین ۲ کشور دانست.»

او با بیان این که یک درصد کل جمعیت سویدن را ایرانیان مقیم این کشور تشکیل می دهند، گفت: «تهران و استکھلم مبادلات اقتصادی خوبی با یکدیگر دارند و به دنبال افزایش آن هستند.»

سفیر سویدن در تهران اعلام کرد: «در راستای گسترش مبادلات اقتصادی بین ایران و سویدن، ۲ هفته دیگر هفتمین کمیسیون اقتصادی را به صورت مشترک برگزار خواهیم کرد.»

سونگلند در بخش دیگری از صحبت های خود، در پاسخ به سؤالی در رابطه با حضور کارخانه های خودروسازی سوئدی در ایران گفت: «امروز کارخانه های ولوو و اسکانیا خودروهای سنگین خود را در ایران مونتاژ می کنند و ما می توانیم محصولات این کارخانه ها را به وفور در جاده های ایران ببینیم.»

او افزود: «این کارخانه ها به منظور ساخت خودروهای سواری نیز در ایران به دنبال یک شریک اقتصادی قدرتمند هستند و اگر شرکاتی را پیدا کنند به احتمال زیاد در بازار ایران حاضر می شوند.

سفیر سوئد در تهران با بیان این که ایران و سوئد در مسائل اجتماعی و فرهنگی نیز با یکدیگر همکاری می کنند نیز گفت: «ایران و سوئد ماه آینده همایش مشترکی در رابطه با حقوق زنان در تهران برگزار خواهند کرد.»

براساس اعلام اتاق مشترک بازرگانی ایران و سوئد، این ۲ کشور سالانه ۳۵۰ میلیون دلار مبادلات تجاری با یکدیگر دارند که این میزان در سال ۲۰۱۶ نسبت به سال های قبل از آن ۳۰ درصد افزایش پیدا کرده است.

آن لینه، وزیر امور اروپائی و تجارت سوئد چندی پیش در همایش اقتصادی ایران و سوئد، روابط ۲ کشور در قبل و در زمان تحریم ها را مستحکم دانست و گفت که این کشور از پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی حمایت می کند.

او به بازگشائی دفتر نمایندگی شورای تجارت سوئد در تهران اشاره کرد و گفت: «ایران و سوئد تفاهم نامی در زمینه های ICT، حمل و نقل، تحقیقات و علم و فناوری امضاء کرده اند.»

ایلووا بری، رئیس شورای تجارت سوئد نیز در این همایش از مذاکرات مقامات بانکی ایران و سوئد برای رفع مشکل تامین مالی و فاینانس خیر داد و افزود: «بیش از ۷۰ شرکت مهم و بزرگ سوئد در این همایش حضور دارند که آماده توسعه روابط با ایران هستند، امیدواریم کار مشترک در زمینه های بهداشت، آی تی، انرژی و بهداشت افزایش پیدا کند.»

در حاشیه سفر نخست وزیر سوئد به ایران، هیئت تجاری سوئدی به ریاست وزیر تجارت خارجی این کشور در اجلاس مجمع تجاری ایران و سوئد شرکت نمود. جلسه مذکور در روز شنبه ۹۵/۱۱/۲۳ در سالن کنفرانس اتاق بازرگانی ایران با حضور مهندس شافعی رئیس اتاق ایران، دکتر هنجنی رئیس اتاق ایران و سوئد و خانم یلوا بری رئیس شورای بازرگانی سوئد برگزار گردید. در جلسه مذکور ابتدا مهندس شافعی به همراه دکتر کرباسی معاون امور بین الملل اتاق ایران ضمن اشاره به پتانسیل های موجود در روابط دو جانبه بر لزوم توسعه همکاری های اقتصادی فی مابین با محوریت اتاق بازرگانی ایران و سوئد تاکید نمودند. رئیس و معاون بین الملل اتاق ایران هم چنین بر لزوم سرمایه گذاری طرف های سوئدی در پروژه های ایرانی به ویژه در حوزه صنعت نفت و گاز تاکید داشتند.

لینه، وزیر تجارت خارجی سوئد نیز با اشاره به این که در تاریخ سوئد هرگز هیئتی به این بزرگی (۹۰ نفر) به یک کشور خارجی سفر نکرده، بر اهمیت همکاری سوئد با ایران تاکید نموده و اظهار داشت شرکت های سوئدی مایل هستند در پروژه های ایرانی مشارکت نمایند. نام برده هم چنین اظهار داشت سوئد سعی خواهد کرد کلیه کشورهای اسکاندیناوی را به ایران نزدیک نماید.

در جلسه مذکور هنجنی رئیس اتاق ایران و سوئد با اشاره به تاریخچه روابط اقتصادی دو کشور ایران و سوئد ضمن تاکید بر پتانسیل های موجود در توسعه روابط در صنعت حمل و نقل، خودرو، بانکی و بیمه ای، مخابرات، معادن و ذوب فلزات، بسته بندی و نیروگاه از طرف سوئدی خواست تا ضمن برقراری تسهیلات بانکی برای توسعه مراوده تجاری شرکت های دو کشور نسبت به مشارکت در پروژه های جدید به شکل سرمایه گذاری مشترک اقدام نمایند.

رئیس اتاق ایران و سوئد، ضمن ابراز گلایه از تمایل زیاد شرکت های سوئدی به همکاری با شرکت های دولتی و یا پروژه های دولتی تاکید نمود زمان آن رسیده تا همکاری با بخش خصوصی ایران بیشتر از پیش مدنظر شرکت های خصوصی و سازمان های دولتی سوئدی قرار گیرد. ایشان اظهار نمود تجارت های زودبازده و بنگاه های اقتصادی کوچک و متوسط بایستی مورد حمایت شرکت های بزرگ سوئدی قرار گرفته و سازمان های ذی ربط از قبیل اتاق های بازرگانی، شورای بازرگانی سوئد (Business Sweden)، اتحادیه بین المللی صاحبان صنایع سوئد (NIR)، سازمان تضمین اعتبارات

صادرات سوئد (EKNB) به همراه بانک‌ها و بیمه‌های سوئدی از تجارت بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط حمایت کنند.

بلوا بری رئیس شورای تجارت سوئد نیز ضمن حمایت از اظهارات رئیس اتاق بازرگانی ایران و سوئد اظهار داشت وظیفه اصلی شورای بازرگانی ایران و سوئد حمایت از این مجموعه بوده و حتماً این موضوع با جدیت بیش‌تر پیگیری خواهد شد. در حاشیه این اجلاس روسای اتاق بازرگانی ایران و سوئد و شورای تجارت سوئد توافق نمودند یک هیات تجاری به طور مشترک از سوی اتاق بازرگانی ایران و اتاق ایران و سوئد جهت بازدید و مذاکره با از فعالین اقتصادی کشور سوئد در اوایل یا اواسط خردادماه عازم سوئد گردند.



هیئتی از شرکت‌های بزرگ تجاری و تولیدی سوئد با نخست‌وزیر، استفان لوون و وزیر تجارت، انن لیندی در یک سفر دو روزه روز شنبه ۱۱ فوریه ۲۰۱۷، به تهران سفر کرده بودند. گفته شده است این بزرگ‌ترین هیات تجاری سوئد است که تا کنون به ایران رفته است.

براساس آمار منتشره در سایت سازمان ملی تجارت سوئد و آژانس ملی آمار این کشور، حجم مبادلات دوجانبه تجاری در سه ماهه اول ۲۰۱۹ به ۲۹۹ میلیون کرون (حدود ۲۹/۹ میلیون یورو) رسید که از این میزان ۲ میلیون کرون (۲۶/۳ میلیون یورو) را صادرات سوئد به ایران و ۳۶ میلیون کرون (۳/۶ میلیون یورو) واردات از حکومت اسلامی ایران به این کشور بوده است.

شایان ذکر است که دولت و پولیس سوئد در سفر اخیر ظریف وزیر خارجه حکومت اسلامی به استکهلم، با سرکوب اوزیسیون ایرانی در این شهر، با گماردن ۱۰۰ افسر پولیس برای حفاظت از ظریف، پذیرائی گرامی از این نماینده ده‌ها هزار اعدام، ترو و سنگسار کردند! که با گذشته بسیار متفاوت بود. تقریباً استکهلم به ویژه جاهائی ظریف رفت و آمد می‌کرد به حالت فوق‌العاده نظامی درآمده بود و انواع و اقسام پولیس‌ها معمولی، ضدشورش، مخفی و غیره با سگ و اسب و مسلح در خیابان‌ها مستقر شده بودند و شدیداً و با خشونت بی‌سابقه‌ای به تظاهرکنندگان ایران علیه ظریف و هیات همراه او، حمله می‌کردند.



در آن موقع طی مطلبی نوشته بودم: «محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه حکومت اسلامی ایران، این نماینده رسمی حکومت تبه‌کار اسلامی، حکومت ده‌ها هزار اعدام، سنگسار، ترور، حکومت زن‌ستیز، آزادی‌ستیز، کودک‌آزار، جنگ‌طلب و آدم‌کش، به دعوت رسمی دولت سوئد در روزهای ۲۰ و ۲۱ اوت ۲۰۱۹، به استکهلم می‌آید تا بر سر سفره خونین مشترک بنشینند. هم‌چنین قرار است ظریف در سفارتخانه‌شان در استکهلم، در این مرکز جاسوسی و ترور، سفره خونین دیگری برای برخی از ایرانی‌ها پهن کند. هرگونه همکاری نهان و آشکار با حکومت جهل و جنایت و ترور اسلامی ایران، مورد انزجار افکار عمومی مترقی و آگاه مردم ایران، سوئد و جهان است. هیچ توجیه و عذر و بهانه دولت سوئد،

در رابطه با دعوت از این نماینده حکومت اسلامی جنگ طلب و آدم کش ایران، نه تنها پذیرفتنی نیست، بلکه باید این دیپلماسی شرم‌آور و چندش‌آور را شدیداً محکوم کرد! وظیفه آگاهانه و داوطلبانه هر نیرو و فرد آزادی خواه و برابری طلب است که در اعتراضات این دو روز فعالانه شرکت کند.»

در مطلب دیگری که پس از سفر ظریف به سویدن، تحت عنوان «حکومت اسلامی ایران جنایت می کند حکومت سویدن حمایت می کند!»، نوشته بودم از جمله آمده است:

«محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه حکومت اسلامی ایران، این نماینده حکومت تبه کار، مافیائی، غارتگر، اعدام، سنگسار و... در روزهای ۲۰ و ۲۱ اوت ۲۰۱۹ در استکهلم بود. در حالی که این نماینده حکومت دیکتاتور و ترور با روسای دولت به اصطلاح حامی حقوق بشر سویدن سر بر سفره خونینی نشستند و احتمالاً با شادی و سرور و تعظیم و چاپلوسی قراردادهائی در زمینه فروش سلاح، دست گاه های سمعی و بصری و شنود پولیسی و جاسوسی، ابزارهای شکنجه و غیره سویدن به حکومت اسلامی را امضاء کردند. اما پولیس وحشی خود را در خیابان های پایتخت سویدن به جان اپوزیسیون حکومت اسلامی انداختند. هنگامی که پولیس فردی از معترضین را دستگیر می کرد جمعی از تظاهرکنندگان پولیس ها را محاصره می کردند تا رفیق دستگیر شده شان آزاد نکنند عقب نشینی نکنند. به عبارت دیگر، این بار برخورد پولیس سویدن با معترضین ایرانی با برخوردهای قبلی بسیار متفاوت بود و رفتارشان بسیار خصمانه و به شدت تهاجمی بود. اما با این وجود ماشین ظریف با گوجه فرنگی و... هم چنین یکی از ماشین های دیپلماتیک مورد حمله قرار گرفتند.

واحدهای مختلف پولیس سویدن، یعنی پولیس مخفی (سپو)، پولیس معمولی، پولیس ضدشورش و گارد ویژه را با اسلحه و باتومبرقی، سگ و اسب به اپوزیسیون سرنگونی طلب ایرانی در استکهلم به شدت و خصمانه حمله کردند. در این حملات وحشیانه پولیس سویدن، تعدادی دستگیر و تعدادی آسیب دیدند. در حالی که مقامات دولت سویدن به گرمی از ظریف جنایت کار و نماینده حکومت رعب و وحشت و ترور، استقبال کردند.

محمد جواد ظریف به همراه یک هیات بزرگ به استکهلم سفر کرده بود. به گفته مقامات پولیس، بیش از ۱۰۰ افسر پولیس جهت تامین امنیت سفر ظریف به کار گمارده شده بودند...»

اکنون باید منتظر باشیم تا احتمالاً خیر معامله دولت سویدن با حکومت اسلامی بر سر جنایت کار دستگیر شده حکومت اسلامی ایرانی بشنویم!



سران حکومت ها و دولت ها تا پیش از قرن بیستم مصونیت قضائی داشتند و در هیچ دادگاه بین المللی محاکمه مافوق ها امکان پذیر نبود. با تشکیل دیوان های کیفری بین المللی تعدادی از حکمرانان یا دولت مردان پای میز محاکمه کشیده شدند و جامعه جهانی متوجه یک ضمانت اجرای کیفری بین المللی شد که شاید بتواند رویای «عدالت برای همه» را محقق کند.

پس از جنگ جهانی دوم به خاطر عمق فجایع و جنایاتی که واقع شد، وضع به کلی تغییر کرد و تغییر جهتی اساسی در نورنبرگ صورت گرفت. نخستین باری که دکترین مسئولیت مافوق رسماً شناسائی شد، در محاکمات بعد از جنگ جهانی دوم در زمینه محاکمه جنایت کاران جنگی المان نازی و ژاپن بود. هم چنین، برای نخستین بار اساسنامه دیوان نورنبرگ بود که صریحاً اعلام کرد دفاع اطاعت از دستور مافوق موجب معافیت زبردست از مجازات نمی شود و به دیوان اجازه داد در صورت لزوم آن را در تخفیف مجازات مد نظر قرار دهد. دیوان بین المللی نورنبرگ نه تنها اعلام کرد که کسی نباید از دستور های غیرقانونی که خلاف قوانین ملی است تبعیت کند، بلکه هم چنین مقرر داشت (و این نخستین بار در تاریخ بود) که در برابر تعارض بین قواعد بین المللی که حافظ ارزش های انسانی است و قواعد کشوری خلاف این ارزش ها، هر فردی مکلف است که قوانین کشوری را زیر پا بگذارد.

با وجود حذف مصونیت ها و امتیازات سران دولت ها، تا دهه ۹۰ هیچ رئیس حکومتی در قبال جنایات بین المللی که مرتکب شده بود محاکمه و مجازات نشد. تلاش های زیادی جهت محاکمه سران و مقامات مافوق از سوی دادگاه های داخلی صورت

گرفت، اما، وجود امتیازات و مصونیت‌ها در قوانین داخلی مانع از انجام این کار می‌شد. برای مثال، تلاش برای محاکمه ژنرال پینوشه در شیلی در قبال جنایات ارتكابی، و هم‌چنین، تلاش آلفونسین رئیس‌جمهوری آرژانتین برای محاکمه مجازات‌عاملان و آمران سرکوب در دوران هشت سال دیکتاتوری نظامیان با وجود قانون عفو که زیر فشار نظامیان تصویب شده بود، نافرجام ماند.

تاکنون دیوان‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا آرای زیادی صادر کرده‌اند و متهمان زیادی را به حبس‌های کوتاه و بلندمدت محکوم کرده‌اند که محکومان که بسیاری از آنان از مقامات عالی‌رتبه و تراز اول آن کشورها بوده‌اند، در حال سپری کردن دوران محکومیت خود هستند.

شکیل دیوان کیفری بین‌المللی یکی از بزرگ‌ترین رویدادهای قضائی سده بیستم در صیانت و پاسداری از ارزش‌ها و گهرهای والای حقوق بشر است. به همین دلیل برخی آن را با سازمان تجارت جهانی و برخی آن را با سازمان ملل متحد مقایسه و هم‌تراز می‌کنند. نگاهی مختصر به تاریخ حوادث جهان در طول قرن بیستم نشان می‌دهد که در این قرن بیش از ۲۶۰ جنگ کوچک و بزرگ رخ داده است و حاصل آن کشته شدن بیش از ۱۷۰ میلیون انسان بی‌گناه بوده است. به عنوان آخرین سخن بهتر است، گفته کوفی عنان، دبیرکل سازمان ملل متحد را زمزمه کنیم که: «دیوان را هدیه‌ای از امید برای نسل‌های آینده می‌داند.»

سران حاکمیت نیز باید نتایج اعمال خود را در نظر بگیرند و بدانند که فریاد عدالت خواهی در برابر جنایات‌شان، بدون نوعی حساب رسی، به فراموشی سپرده نخواهد شد.

این پرونده، اگر چه منجر به آن نشد که دیکتاتور سابق شیلی به اسپانیا مسترد شود، اما توانست خیلی استانداردهای جدید حقوقی را تعیین کرده و به دنبال بیاورد که به لحاظ بین‌المللی بسیار با اهمیت هستند. البته که متاسفانه پینوشه موفق شد از این حکم جلب، جان‌سلام بدر ببرد، اما این به این خاطر نبود که دادگاهی حکم بر بی‌گناهی‌اش صادر کرده بود. بلکه به این خاطر بود که دولت وقت در لندن، فراتر از حکم دادگاه وارد عمل شد و پینوشه را به دلایل عدم «سلامتی جسمی» به شیلی بازگرداند.

اکنون ما باید منتظر بمانیم و ببینیم دولت سویدن چه دلایلی برای آزادی این جنایت‌کار حکومت اسلامی و یا معامله‌ای بر سر مبادله با یک شهروند ایرانی - سویدی که در ایران زندانی است صورت گیرد. و یا این که حرکت دادخواهی به حدی قوی و وسیع و گسترده و موثر خواهد شد تا دادگاهی این جنایت‌کار علنی برگزار شود و او به مسایل پشت پرده جنایات خود و همکاران‌شان و حکومت‌شان اقرار کند!

شنبه بیست و پنجم آبان [عقرب] ۱۳۹۸ - شانزدهم نومبر ۲۰۱۹